

کنجکاویهای علمی و ادبی



۱ - کشف سند جدید دربارهٔ اخلاف خواجه انصاری هروی:

دانشگاه تهران در سلسلهٔ نشرات خویش تحت نمبر «۸۳ گ» کتابی را بنام "کنجکاویهای علمی و ادبی" نشر کرده، و در مقدمهٔ آن از طرف ریاست دانشگاه مرده داده شده که احیاناً به طبع و نشر چنین کتب مفید که حاوی تحقیقات علمی و ادبی استادان دانشگاه باشد، در آینده نیز اقدام خواهند کرد.

درین روزها کتاب اول این سلسله انتشارات از طرف دانشگاه موصوف بمن رسید و با کمال ولع و دلچسپی بمطالعهٔ آن پرداختم. دارای مقالات دقیق استادان دانشگاه است، که بر موضوعهای مختلف تحقیقات عمیقی نموده اند. درین کتاب مقالت مفصلی بقلم دانشمند معروف معاصر آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه بعنوان خاندان سعدالدین حموی موجود است، که دران موضوع کنجکاویهای دقیق و آخرین بقلم آورده اند، و با استیفائی که خاصهٔ آن استاد است. این موضوع مبهم و سرپوشده را هم خوب روشن ساخته است.

این خاندان در تاریخ عرفان و تصوف مقامی شامخ دارد و عرفای بزرگ و نامداری ازان برآمده اند که صیت شهرت عرفانی و روحانی شان از سواحل نیل تا هند فرا رسیده و در کتب عربی و پارسی اسماء الرجال و مشاهیر ذکر هائی ازین دودمان معروف موجود است که ایشان از خراسان

تا مصر در شهرهای بزرگ علم رهنمائی روحی را افراشته و مورد احترام مردم بوده اند. آقای نفیسی رساله ای در شرح حال (۲۸) نفر از حمویان فراهم آورده و آنچه در تذکرها و سفاین و کتب تاریخ و اسماء الرجال در آن باره یافته توانسته اند اندرین رساله جمع کرده اند. بدانکه نسبت (حموی) درین خاندان از قبیل نسبت به مسکن و مکان نبوده بلکه نسبتی است که به (حمویه) یکی از اجداد خویش کنند، و این خاندان اصلاً هرویست، که بعد ازان در جویین و خراسان و اصفهان و دمشق و شام و مصر و دیگر بلاد اسلامی می زیسته اند و مذهب شافعی داشتند، وقتی در مرآه الجنان یافعی (طبع حیدر آباد) ذکر عمر بن علی جوینی صوفی هروی را میخواندم بمراق افتاده بودم که این نسب (هروی) بکدام سبب است. اکنون ازین کنجکاوی دقیق پیدا آمد که این خاندان بزرگ اخلاق خواجه عبدالله انصاری هروی معروف اند که مزار شان تاکنون در گازرگاه هرات مطاف مردم است و محال است که کسی به هرات برود، و بزیارت این عارف بزرگوار مشرف نشود.

چیز نویکه در مقالت فاضل مدقق استاد نفیسی آمده این است: که ایشان سفینه ای خطی در کتب خانه آقای مجد الدین نصیری دیده اند، درین سفینه مشیخه ای هست که نسب نامه عارف اوایل قرن دهم مسمی به سالک الدین حموی (ساکن یزد) دران مندرج است مطابق این مشیخه نسب محمد بن حمویه یعنی مؤسس این خاندان که همه افراد آن به تناسب نام وی به حموی معروف بوده اند، به چهار پشت به ابو اسمعیل عبدالله انصاری عارف بسیار مشهور هرات (متولد ۳۹۶) متوفی ۴۸۱ هـ) میرسیده است بدین موجب: حمویه بن عثمان بن سعدالدین بو سعد بن نصرالله بن محمد بن ابو اسمعیل عبدالله انصاری. چون دودمان حمویان در تاریخ عرفان و تصوف و ادب خراسان منزلتی بلند دارند، و اینها از اخلاف خواجه هری پیر انصار خواجه عبدالله اند، بنابراین تمام افتخار این دودمان به هرات عاید است، و مقالت مفصلی که در آن باره در کنجکاوپهای علمی و ادبی نوشته شده است، و تمام رجال این دودمان را مفصلاً بر شمرده است از غنائیم ادبی است، که من هموطنان عزیز را بدین وسیله بدانسو ملتفت می سازم، کسانی که تفصیل و اشباع را خواهان باشند، البته خود کتاب و رساله خاندان سعدالدین حموی را خواهند خواند.

چون سابقاً این انتساب به ما معلوم نبود، و نمی دانستیم که این دودمان بزرگ عرفانی نسل کدام شخص اند بنابراین به اشتباه (حموی) آنها را عربی و شامی قلمداد میکردیم.

۲ - بزم صوفیه:

به این نام کتاب بزبان اردو، از دارالمصنفین اعظم گده هند تحت نمبر «۷۴» طبع و نشر شده است که در تاریخ ادب و عرفان و شرح حال عرفاء و مؤلفین افغانی ماخذی مهم شمرده خواهد شد. دارالمصنفین مؤسسه بزرگ علمی و اسلامی هند است، که مکتب تحقیقات علامه مرحوم شبلی نعمانی را در مباحث اسلامی و ادبی تعقیب میکند، جانشین بزرگ شبلی حضرت الاستاد سید سلیمان ندوی و شاگردان وی آنرا اداره میکنند.

این مؤسسه علمی بزبان اردو خدتمهای بزرگ فراموش نشدنی را کرده است و کتبی را در آن زبان بوجود آورده که بلا شباهت آثار بر گزیده و مفید است. مجله ماهوار "معارف" که از آن مؤسسه نشر میگردد، یقیناً دایره المعارف اسلامی است.

این مؤسسه اشخاص مدقق و نویسندگان کنجکاو را نیز تربیه نمود که کانون تحقیق شبلی، به همت آنها گرم است، و آن سلسله مفید را دوام میدهند. "بزم صوفیه" از نشرات اخیر این کانون علم و تدقیق است و نویسنده آن فاضل دانشمند سید صباح الدین عبدالرحمن (ایم، ای) است، که قبلاً کتاب مفید دیگری را بنام (بزم تیموریه) در تاریخ ادب و رجال ادبی دوره تیموریان هند نوشته بودند.

"بزم صوفیه" را اگر تاریخ عرفان و رجال عارف و متصوف افغانی بگوئیم جا دارد، زیرا این کتاب شرح حال و افکار و تالیف و آثار بزرگترین رجال عرفانی افغانی در هند است، و از بهترین مأخذ ما در ترتیب تاریخ رجال عارف افغانی خواهد بود. قبلاً کتابی بنام (تصوف اسلام) بقلم یکی از محققان هند مولانا عبدالماجد دریابادی چاپ شده بود که همان سلسله را (بزم صوفیه) تکمیل کرد. در حقیقت بنای کلتور اسلامی هند بدست دو طبقه افغانی اساس نهاده شده است، اول فاتحان دودمان غزنه و غور افغانی، که کشور فسیح هند را تا سواحل گنگا و جبال تبت و دکن گشودند، این جهانگیران صالح، علوم آداب، صنایع، عقاید اسلامی را به مردم هند ارمغان دادند، و کلتور مشترک افغانی و هندی را در مدت یکهزار سال در آن کشور وسیع شالوده گذاشتند.

طبقه دوم کسانی بودند که دسته بران بکف نداشتند، و شمشیر برهنه نیازیدند، بلکه باسجاده و عمامه و عصا بسر زمین هند رفتند، احساس شریف انسانی و خدمت خلق را بمردم رهنمونی کردند، و میدان پیکار و خون را به بزم صفوت و مؤدت تبدیل نمودند، این دسته مردم اهل الله در دل مردم هند جای گرفتند و مورد احترام قلبی خلائق بودند، بنا بران مبادی آنها در تشکیل کلتور (افغانی -

هندی) دخیل بودند و صبغه روحی و دینی داشتند.

سردهسته این مردم حضرت شیخ الحسن هجویری غزنوی است که پدرش سید عثمان در قریه معروف به (اربابها) یکمیل بطرف جنوب غزنه کنونی خوابیده^(۱) و نویسنده کشف المحجوب است بعد از وی حضرت خواجه محی الدین چشتی سجزی [سیستانی] است، که به چست و سیستان نسبت دارد، و سوم حضرت خواجه قطب الدین بختیار است، که در تاریخ ادب پښتو هم مقامی بلند دارد و اشعاری در پښتو از وی باقیمانده است، چهارم حضرت خواجه فریدالدین گنج شکر که اجداد وی شاهان کابل بودند. پنجم حضرت شیخ امیر حسینی که از گزیرو سرزمین تاریخی غور برخاست. ششم حضرت خواجه نظام الدین اولیاء از نسب سادات خلم، هفتم حضرت بوعلی قلندر که از اولاد امام اعظم ابو حنیفه کابلی اند، هشتم حضرت سید محمد گیسو دراز هروی که این مردم بزرگوار صدها مرید و شاگرد و مؤلف و مصنف را در آن دیار پروراندند و خود شان هم ده ها کتب منثور و منظوم بیادگار گذاشتند و فکر هندی و کلتور آن مردم را تجلی جدیدی بخشیدند. هر چند این مردم از نسب و وطن بری اند و تمام زمین وطن شانست، و هر انسان و مخلوق الهی مورد رحم و شفقت شان، باز هم اینها از مفاخر افغانی اند و میتوان گفت که فکر تربیه و کلتور افغانی را باخود به هند ارمغان برده بودند، و دیانت اسلامی بهمت این مردم در سرزمین هند مکشوف گردیده است.

کتاب "بزم صوفیه" تمام احوال و آثار مؤلفات و شاگردان این عرفای افغانی را با افکار و عقاید و آداب و تجلیات فکری آنها شرح میدهد و بهترین کتابی است که با ارائه مؤخذ تمام مآثر این عارفان خدا شناس را فراهم آورده است.

من از دوستم آقای فاضل گویا اعتمادی منت دارم، که نسخه این کتاب مفید را برای خواندن بمن داد، که درین سطور آنرا به خوانندگان افغانی و ذوقمندان تاریخ و ادب معرفی کردم^(۲).

ماخذ:

۱. شاید همین جای پیشتر "هجویر" یا "جلاب" نامداشت.

۲. مجله آریانا، سال ۱۳۳۰ ش، شماره سوم، ص ۱ - ۵.